

که تلاک افضل از عرض کردم که اگر این را بر سر در و نفل چه آید **بگردن**  
در لیل قبول نماز است و صدق این دلیل ارشاد است و آن حضرت علیه افضل  
الصلوة و اکل الخبثات فرمودند حدیث صحیح من ذکر فی فی ملائکه که فی  
ملائکه من از من توبه سیده است کفتم بلی فرمودند فکرم من ذکر انما فی ملائکه  
بعلاذ ان شیخ گفت که بعد از بیداری هیچ چیز فرحت نیافتم مثل فرحت  
که ازین خواب بافتم محقق نماز که این خواب شیخ منافیست با آنکه در خواب  
سخن ذلک جواب اهل سنت مشهور است که مراد از ملائکه غیر ملائکه نفوس است  
انبار علیهم السلام است و چنین مذکور بود و محمد بن زکریا در **تذکره**  
رسول است که رسول خدا استعلا است لای بان کند و می گفت این خواب  
با اصول شیخ که هر کدام آنرا بکار گرفته خود فریب ساخته در آنجا  
مطلب مذکور بلکه در آنکه محل خواب بود باید دانست که ملائکه خواصی  
عباد الله اند مخصوص بذکوره و انوشیث مطیع و منقاد او  
نوامی آبی هستند و بعضی ایشان دستار شده پس الله تعالی وین  
رسوله علیهم الصلوة والسلام خلافا لبعض المتصوره که این خواب  
علیه السلام را قوه نبی صلی الله علیه وسلم و علی آل و صحبه اجمعین یا  
و گشت الهی را منسوب بان قوه میکردند باید دانست که قیامت  
یعنی جز آنکه کوی خواب است و ذواب عقاب چنانچه در کتب الهی

مذکور است

مذکور است روح و هر پوست خلافا لبعض المتصوره که این خواب  
انکار نموده فایده ترکیب روح با بدن مثالی که امر و زهم آن بدن  
ایشان وجود دارد گفته و احیاء موتی را انکار نموده اند و چنین عقاب  
قبر برای کفار و بعضی عصاه مومنین می است و اختلاف در میان  
علمای امامت بعد از اتفاق بوجود آن در کیفیت آن و در کیفیت حیوة  
میت محققان اصل عقاب و حیوة را قایل شده گفته و اهل علم  
آبی مذکور است از بدانکه چنانچه بدن خاکی در دنیا من حیث  
اجزایه العصریه حیوة مذکوره و بفضل آبی حیوة یافت و این  
شرف روح لطیف گشت تصور شد از آنکه من اجزایه انوار  
بدن بکلیتها و الاصلیه منها نوعی از حیوة دانسته باشد که در  
احوال مناسب خود را بکار کند و لایستند از الاضعفاء العقب  
که ذمه من المعزله و بعضی الاممیت را بدون حیوة تصور کرده  
صعق این قول محتاج بیان نیست و استماع کلام مولی و کشف  
قبور از سلف منقولست و زیارت اولیاء و علماء را اهل صلاح  
عظیم دارد و ظهور انوار بر زائر قبور ایشان صحیح است و هر دو لیکن  
مناسبت در کار است و آن در تفسیر و نظرات دنیا و  
و میل بمعارف حقیقیه حاصل میکرد و حکایتی که حدیث مذکور را اقم